

متن پرسش

باسمه تعالی با سلام خدمت استاد گرامی من از طریق دوست یزدی ام مباحث شما را شنیده ام . در شهر خودمان هم مباحث شما را کار کرده ام . در ضمن شنیدن چند جمله از بزرگانی همچون آیت الله جوادی آملی باعث شده نسبت به مسئله تعلق خاطر به دنیا حساس شوم . ۱- سوال من این است که تعلق خاطر به دنیا و اموال و زینت آن دقیقا چه تعریفی دارد ؟ یعنی اگر چگونه زندگی کنیم تعلق خاطر به دنیا و مال آن داریم ؟ استاد عزیز ! سوالم را با مثالی روشن تر می کنم . از وقتی که به مسئله تعلق خاطر حساس شدم نسبت به وسایل شخصی خودم بی توجه شده ام . این مسئله اولاً باعث گم کردن زیاد اشیاء دور و برم شده و دوماً باعث رجوع آشنایان برای قرض گرفتن وسایلی که جنبه خیلی شخصی (مثل مسواک و ...) ندارد مثل ماشین حساب و کامپیوتر شخصی؛ شده است . ضرر مقوله اول که مشخص است و ضرر مقوله دوم از آن جهت است که خوف این دارم که استفاده ناصحیح از به طور مثال ماشین حساب یا موبایل یا لپ تاپ باعث کاهش عمر یا خرابی دستگاه شود . حالا سوالم را طبق این مثال دوباره می پرسم ؟ ۱- الف - آیا میتوان تعلق خاطر نداشت و حواس پرت نبود ؟ یعنی مواظب کیف و انگشتر و وسایل بود ولی به آنها وابسته نبود ؟ چطور میتوان چنین حالتی را محقق کرد ؟ لطفا راهنمایی بفرمایید . ۱-ب- آیا این خوف ضرر ناشی از تعلق خاطر است ؟ یعنی اگر چیزی به کسی قرض دادیم و ترسیدیم که مبادا به آن ضرر بزند به آن چیز تعلق خاطر داریم ؟ اگر پاسخ مثبت است آیا باید به تقاضای هر فردی که وسیله قرض می خواهد پاسخ مثبت داد ؟ البته میدانم که در دستگاه غربشناسی، ریشه تمام این مشکلات در غلبه روح تکنیک و سبک زندگی غربی است که زندگی ما را اینقدر پیچیده و وابسته به عناصر گوناگون کرده ولی با توجه به این که ما در زمانه ای زندگی می کنیم که کنار گذاشتن تکنیک ، تسلیم در برابر تکنیک است ، راه حلی مناسب همین دوران دهید . وگرنه تصدیق می کنم که اگر تکنولوژی نبود شاید اینقدر آشفتگی ذهنی بابت این قضیه نداشتیم . ۲- یک سوال فرعی هم داشتم و آن اینکه بعضی جوانان و گروه ها از کتاب های شما و حرفه‌ای‌تان به عنوان مرجع افکارشان اسم می برند . در شهر ما هم این ها هستند . آیا شما با گروهی از این جوانان مستقیماً در ارتباط هستید ؟ تشکیلی ؟ هیئت مذهبی ؟ اگر ممکن است به همه سوال ها و اگر ممکن نیست به سوال «۱» و «الف» و «۱-ب» پاسخ دهید . با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: ۱- عدم تعلق به دنیا یعنی هدف اصلی ما ارزش‌های دنیایی نباشد و زندگی

در دنیا را بستری قرار دهیم برای زندگی در آخرت ولی در هر حال ما در زندگی دنیایی خود باید برنامه داشته باشیم و روی وسایل زندگی خود حساب باز کنیم تا در موقع نیاز به آن وسایل به مشکل بر نخوریم. در همین رابطه رسول خدا(ص) «می‌فرماید: « اَعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اَعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا» برای دنیایت طوری باش که گویا همیشه زنده‌ای و برای آخرت طوری باش که گویا فردا می‌میری. با توجه به این امر نمی‌توان در حفظ وسایل ضروری زندگی امروز سهل‌انگاری کرد و به بهانه‌ی بی‌علاقه‌گی به دنیا راحت آن وسایل را از دست داد. آری نباید بخیل باشید و نیز نباید بی‌پروا وسایل خود را از دست بدهید ۲- مرجع افکار ما باید امام و رهبری باشند در کنار شخصیت آن بزرگان می‌توان از کتاب‌های بنده در جهت تبیین اندیشه‌ی آن عزیزان استفاده کرد. چون اسامی افراد در ذهن بنده نمی‌ماند نمی‌توانم جواب قسمت دوم سؤال شما را بدهم ولی بعضی دوستان ممکن است تلفنی سؤال کنند و بنده جواب دهم. موفق باشید